

زندگی در یلاق و قشلاق



عکاس: اسحاق آقایی

تجربه

آیندازی

پنجمین ماه
دوره بیست و ششم
شماره ۵ | ۱۴۰۱





مسعود نوروزی
آموزگار ابتدایی عشایر
استان فارس



عکاس: سیدمهدی حسینی

من از سال ۱۳۹۹، به‌عنوان آموزگار، در مقطع ابتدایی در آموزش و پرورش عشایر استان فارس استخدام شده‌ام و در این نوشتار قصد دارم شما را با تجربه‌ی یک سال خدمت خود و بعضی از چالش‌های حضور در مناطق عشایری آشنا کنم.

پس از قبولی در مقطع کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه دولتی شیراز و طی کردن مراحل مصاحبه و گزینش، بالاخره منطقه‌ی محل خدمتم مشخص شد. این منطقه جایی بود حوالی شهرستان «تنگ ارم» استان بوشهر که هم‌مرز استان فارس است. من و پدرم عازم منطقه شدیم و فهمیدیم که عشایر این منطقه برای اینکه فصل‌های سرد سال را به‌راحتی سپری کنند، خانه‌های چوبی و تیرآهنی می‌سازند. مکان مدرسه نیز یکی از همین خانه‌ها بود که ساکنانش آنجا را رها کرده و برای گذران زندگی عازم شهرهای اطراف شده بودند. تمام منطقه برق کشی شده بود. همچنین چندین دکل مخابراتی نیز در نزدیکی‌های مدرسه نصب شده بود. البته به‌دلیل خالی‌شدن تقریبی روستا از سکنه در فصل تابستان، بسیاری از کابل‌های برق قطع شده بودند و این امر باعث شده بود مدرسه‌ی ما به غیر از چند نیمکت چوبی و یک تخته‌ی گچی به‌همراه سه پایه‌ی آن، دیگر چیزی نداشته باشد. در واقع به دلیل خشکسالی‌های اخیر و گرمای طاقت‌فرسا در این منطقه‌ی عشایری فقط پنج خانواده برای گذران فصل‌های سرد باقی مانده بودند. از بین این پنج خانواده سه خانواده فرزند دبستانی داشتند. با این اوصاف تعداد دانش‌آموزانم به هفت نفر در شش پایه‌ی تحصیلی می‌رسید. با وجود اینکه خانه‌ها برق داشتند؛ اما از نعمت آب محروم بودند و آب آشامیدنی این خانوارها با تانکر تأمین می‌شد.

و اما من که تمام طول عمرم را با زندگی شهرنشینی سپری کرده بودم، به‌دنبال جایی برای سکونت بودم که دسترسی راحت‌تری به آب آشامیدنی داشته باشم. پس از پرس‌وجو و استفاده از مکان‌یاب، به‌همراه پدر به روستایی به نام کفترو (به قول محلی‌ها کفتارو) رسیدیم که حدود

دو ماه دو شیفت کار کردم و هر بعدازظهر به خانه‌ی یکی از آن‌ها رفتم. در نهایت تا اوایل بهمن درس‌ها را تا بودجه‌بندی مورد نظر رساندم؛ اما مشکل بعدی از جایی شروع شد که بعضی اولیا اعلام کردند، به‌دلیل خشکی و کم‌بارشی بیش از حد امسال، مجبورند زودتر کوچ کنند و به منطقه‌ی بیلاق بروند. از این‌رو، مجبور شدم با سرعت بیشتری کتاب بعضی از دانش‌آموزان را تمام کنم. اکنون برای رفع این مشکل که امروزه بسیار شایع شده است، سه راه‌حل پیشنهاد می‌کنم. امیدوارم مسئولان هر چه زودتر برای حل و برطرف‌شدن آن همکاری کنند. راه‌حل‌ها عبارت‌اند از:

- تهیه‌ی کتاب مناسب برای این دانش‌آموزان به‌طوری‌که معلم زمان کافی برای تدریس و دانش‌آموزان وقت کافی برای یادگیری داشته باشند.
- افزایش تعداد معلمان به‌گونه‌ای که حتی اگر یک خانواده وجود داشته باشد، معلم با آن خانواده همراهی کند.
- انجام تدریس به‌صورت مجازی، مخصوص دانش‌آموزانی که زمان بیلاق و قشلاق آن‌ها با دیگر دانش‌آموزان متفاوت است. البته اجرای هر کدام از این راه‌حل‌ها نیازمند تخصیص بودجه و همراهی مسئولان است. همچنین در سال‌های اخیر مجتمع‌های شبانه‌روزی مخصوص دانش‌آموزان ابتدایی تأسیس شده است که این امر می‌تواند مشکلات مربوط به زمان و مکان یادگیری را رفع کند؛ ولی دوری از خانواده می‌تواند سبب بروز مشکلات عاطفی و روانی برای دانش‌آموزان شود.

۲۰ دقیقه با مدرسه‌ی محل تدریس فاصله داشت. این روستا در کنار راه اصلی و آسفالت قرار داشت و مسیر شهرستان تنگ ارم استان بوشهر را به شهرستان بلاده استان فارس وصل می‌کرد. در این روستا آب را از دل کوه لوله‌کشی کرده و به خانه‌ها کشیده بودند. حدود پانزده خانوار در آنجا زندگی می‌کردند. ناگفته نماند که این روستا نیز از نعمت برق برخوردار بود و اکثر خانه‌ها نیز تیرآهنی بودند و کیفیت خوبی داشتند. بالاخره پس از صحبت با اهالی، یک خانه‌ی پنجاه‌متری را که در کنار دره ساخته شده بود اجاره کردم. در گذشته به‌دلیل زیادتر بودن تعداد عشایر و یکی‌بودن مکان زندگی در قشلاق و بیلاق، معلم در هنگام کوچ نیز همراه دانش‌آموزان خود بود و می‌توانست در هر لحظه به تدریس خود ادامه دهد؛ اما یکی از اصلی‌ترین مشکلات من این بود که از هفت دانش‌آموز ثبت‌نامی فقط دو دانش‌آموز از ابتدای مهر به مدرسه می‌آمدند و اصلاً از بقیه‌ی دوستان خود خبر نداشتند؛ چراکه منطقه‌ی بیلاق (سردسیر) هر کدام با هم متفاوت بود. پس از پیگیری از مسئولان و تماس با اولیا متوجه شدم که هر کدام در منطقه‌ی بیلاق متفاوتی به سر می‌برند و به‌دلیل خشکی بیش از حد منطقه‌ی قشلاق (گرمسیر)، تا پایان آبان یعنی دو ماه پس از شروع سال تحصیلی به منطقه‌ی قشلاق می‌آیند که این بزرگ‌ترین معضل و چالش من به حساب می‌آمد. پس از پایان دو ماه یعنی در اوایل آذر کم‌کم بقیه‌ی دانش‌آموزان هم به مدرسه مراجعه کردند. برای حل عقب‌ماندگی درسی آن‌ها حدود